

# نسخه‌ای نویافته

## از ترجمه تاریخ یمنی



### حسین دوستی

دبیر بازنشسته آموزش و پرورش  
پژوهشگر و مؤلف

### چکیده

تاریخ یمنی کتابی است در شرح وقایع تاریخی از اواخر سامانیان تا زمان سلطان محمود غزنوی که توسط ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی (متوفی ۴۲۷ ق) در آغازین سالهای قرن پنجم هجری به زبان عربی نگاشته شده است. نخستین «ترجمه تاریخ یمنی» به زبان فارسی در سال ۶۰۳ ق به وسیله جرفادقانی (گلبایگانی)، از نویسندگان و مترجمان بنام دوره سلجوقی، انجام گرفته است؛ بعد از آن، ترجمه‌ها و شرح‌های متعددی بر این کتاب نگاشته شده است که پیش از این هشت مورد از آنها از سوی پژوهشگران شناسایی و معرفی شده‌اند؛ ترجمه دیگری از این کتاب موجود است که تا کنون ناشناخته بوده و در این مقاله به معرفی آن می‌پردازیم. ترجمه مورد بحث، به سفارش بهمن میرزا (حاکم آذربایجان) و توسط عبدالکریم بن محمد صادق اهری صورت گرفته است.

تاریخ یمنی کتابی است در شرح وقایع تاریخی از اواخر سامانیان تا زمان سلطان محمود غزنوی. مؤلف کتاب، عمده گزارشات خود را به جنگ‌های سلطان محمود غزنوی در هندوستان اختصاص داده و از دید جنگ‌های جهادی در مورد لشکرکشی‌ها و پیروزی‌های سلطان محمود، داد سخن داده است. وی در گزارشات تاریخی خود به تاریخ برخی سلسله‌های دیگر معاصر سلطان محمود غزنوی نیز پرداخته است از جمله: سامانیان، امرای سیستان، آل‌زیار، سیمجوریان، خانیان، دیلمیان، آل‌فریغون، غوریان، ملوک‌غرشستان، خوارزمشاهیان، افغانیان و ...

مؤلف این کتاب مهم تاریخی، که به زبان عربی فصیح تألیف شده و از این نظر، جزو متون ادب عرب به شمار می‌رود، مورخ و نویسنده برجسته ایرانی قرن چهارم و پنجم ق است به نام: ابونصر محمد بن عبد الجبار عتبی (متوفی ۴۲۷ ق)؛ وی از مردم ری بوده که در آغاز جوانی به نزد دایی خود در خراسان رفته و تحت تربیت او در علوم ادبیات عرب، فقه، حدیث، کلام و تفسیر قرآن مسلط شد. او پس از مدتی در بخارا به دربار امیر رضی ابوالقاسم نوح بن منصور (هفتمین پادشاه سامانی) راه یافت و رئیس برید نیشابور گردید.

سالی چند هم صاحب دیوان رسائل عمادالدوله ابوعلی محمد بن محمد سیمجور امیر و سپهسالار خراسان شد. وی پس از چندی در غزنین، وارد دیوان رسائل ناصرالدین سبکتکین (پدر سلطان محمود غزنوی) گردید.

ابونصر عتبی مدتی نیز نیابت شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر را در خراسان عهده‌دار شده، چند سالی نیز در نیشابور، نزد امیرنصر بن سبکتکین (سپهسالار خراسان) به سر برده است. از شرح مفصل غزوات سلطان محمود، به نظر می‌رسد که در دربار سلطان محمود نیز حضور داشته و شاید هم در آن جنگ‌ها، به ثبت وقایع مشغول بوده است.

ابونصرعتبی، در این کتاب، لقب «یمین‌الدوله» را جزو القاب سلطان محمود نام برده است، لذا کتاب تاریخ او که گاهی تاریخ عتبی هم نامیده می‌شود، به نام تاریخ یمنی معروف شده است. او کتاب خود را به درخواست ولیعهد سلطان محمود، امیر جلال‌الدوله ابواحمد محمد، به زبان عربی نوشت، تا اهل عراق به ویژه دانشمندان بغداد، از آن استفاده کنند.

## ترجمه تاریخ یمنی

تاریخ یمنی علاوه بر جنبه تاریخی، از نظر ادبی نیز مهم تلقی شده است و عبارات بدیع و ابیات شیوا و نثر مسجع آن در کنار داستان‌های دلکش و پندآمیز، آن را در ردیف کتب ارزشمند ادب عرب قرار داده که با ترجمه آن به زبان فارسی، در میان کتب ادب فارسی نیز جایگاه خوبی کسب کرده است. نخستین ترجمه تاریخ یمنی به زبان فارسی در سال ۶۰۳ ق به وسیله ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی (گلپایگانی)، از نویسندگان و مترجمان بنام دوره سلجوقی، انجام گرفته است؛ ترجمه‌ای ارزشمند و در کمال فصاحت و سلاست، که مورد تأیید و تحسین استاد ملک الشعرا بهار و اساتید ادب و تاریخ ماضی و حال قرار گرفته است. این ترجمه به عنوان یک مأخذ رسمی در تاریخ غزنویان، در رده کتب دانشگاهی تدریس و شرح می‌شود.

جرفادقانی ترجمه تاریخ یمنی را به دستور وزیر، ابوالقاسم علی بن الحسن، در روزگار اتابک ابوبکر بن محمد جهان‌پهلوان بن ایلدگز نگاشته است. او در دربار برخی از ممالیک اتابکان آذربایجان که پس از اتابک محمد جهان‌پهلوان و برادرش قزل‌ارسلان عثمان بر بخشی از ایران غربی و مرکزی دست یافته بودند، می‌زیسته است [از اولاد جهان‌پهلوان، عده‌ای نیز شهر اهر - در استان آذربایجان شرقی را مرکز حکومت خود قرار داده و با عنوان «ملوک اهر» در تاریخ معروف شده‌اند].

تاکنون ترجمه‌ها و شرح‌های متعددی بر این کتاب نگاشته شده است که مرحوم دکتر جعفر شعار در مقدمه‌ای که بر ترجمه تاریخ یمنی در سال ۱۳۴۵ نگاشته است به ۸ مورد شرح و ترجمه آن اشاره کرده است.

## نسخه نویافته ترجمه تاریخ یمنی

اما ترجمه‌ای که اخیراً توسط نگارنده این مقاله، تصحیح و چاپ و منتشر شده است، جزو هشت مورد معرفی شده از سوی دکتر شعار نیست و این ترجمه تا امروز، همانند بقیه آثار مترجم آن، ناشناخته مانده بود؛ این ترجمه، دومین کتابی است که به سفارش بهمن میرزا، فرزند عباس میرزا که حاکم آذربایجان و شاهزاده‌ای دانش دوست بود<sup>۱</sup> توسط عبدالکریم اهری مجدداً به فارسی روان ترجمه گشته و سبک قدیمی و اشعار عربی آن، روان‌تر شده و از اشعار فارسی استفاده

گردیده است. این ترجمه از اواخر ذیقعدۀ سال ۱۲۶۱ ق شروع و در دهم صفر سال ۱۲۶۲ با کتابت ابراهیم اهری پایان یافته است.

عبدالکریم اهری، ترجمۀ تاریخ یمینی را چنین آغاز کرده است:

هوالمستعان

بسم ... الرحمن الرحیم

الحمد لله على آلائه و الصلوة على نبيّه وآله، برآيينه ذهن‌های صافی و مستقیم، صورت این مدّعا ظاهر و متجلّی است که سلطنت و دین، گوهران یک دُر جند و اختران یک بُرج...

و پایان آن کتاب این چنین نگاشته شده است:

«به تاریخ سال هزار و دویست و شصت و دویم که صفحۀ ممالک آذربایجان به انوار مآثر و مفاخر شاهزادۀ رادِ جوان بختِ کرم بخشِ بی‌دریغ، خداوندِ نگین و تیغ، سرکار اشرف والا، نواب بهمن میرزا فرزند نایب السلطنۀ العلیۀ عباس میرزا ابن السلطان فتحعلی شاه قاجار طاب ثراهما آراسته و پیراسته بود، سرکار شوکت‌مدار، بنده دعاگوی، عبدالکریم اهری را مأمور فرمودند که تاریخ ابن یمین<sup>۲</sup> را ترجمه نمایند و بنده درگاه، حسب الامر الاشرف در اندک مایه مدتی از خدمت محموله فراغت حاصل نمود. امید که به عین عنایت ملحوظ شود.»

دستنویس این ترجمه به خطّ ابراهیم اهری، از کاتبان معروف دورۀ قاجاریه، در کتابخانه و موزۀ اسناد مجلس شورای اسلامی به شمارهٔ بازیابی ۴۲۰۰ در ۱۴۸ برگ (هر برگ در دو صفحه، مجموعاً در ۲۹۶ صفحه) موجود است.

نگارنده بعد از بازنویسی و تطبیق این اثر با ترجمۀ جرفادقانی و علی قویم، به تدوین واژه‌نامه و برخی فهرست‌ها پرداخته و در نهایت در سال ۱۳۹۹ توسط «انتشارات تمثال» چاپ و منتشر کردم تا به عنوان کتابی ارزشمند و تاریخی در دسترس علاقه‌مندان تاریخ و ادبیات قرار گیرد و یکی دیگر از میراث مکتوب شهرستان اهر به جوامع علمی و فرهنگی معرفی شود.

## ویژگی‌های ترجمۀ عبدالکریم اهری

اهری در این ترجمه، عبارات و اشعار عربی را به فارسی روان ترجمه کرده و برخی را نیز بدون

اینکه به سیر حوادث، خدشه‌ای وارد کند، حذف کرده است. البته جرفادقانی نیز گاهی برخی اشعار عربی را نیآورده و به اصل کتاب عتبی ارجاع داده است. اشعار فارسی موجود در ترجمه عتبی، براساس نظرات دکتر جعفر شعار در مقدمه ترجمه تاریخ یمنی، گذشته از چند بیت که از شاهنامه فردوسی و گرشاسب‌نامه اسدی است، بقیه شعرها از معین‌الاسلام علی‌بن محمد ابی‌الغیث، مستوفی ابوالقاسم علی بن حسن، وزیر جمال‌الدین آی ابه الغ باریک است. اما اهری، گاهی به جای برخی اشعار عربی، ترجمه فارسی آن را آورده که احتمالاً سروده خودش می‌باشد. آثار شعری اهری در «رساله‌های جهادیّه» او نیز به چشم می‌خورد. وی در مقدمه ترجمه تاریخ یمنی نیز دو بیت از اشعار خود را ذکر کرده است.

### اقدامات مصحح در تصحیح این کتاب

مصحح در تصحیح این کتاب، جهت سهولت مطالعه خوانندگان محترم و بر طبق آیین‌نامه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تغییراتی را انجام داده است:

۱- کاتب این ترجمه، همه مطالب کتاب را بدون تقسیم به پاراگراف‌ها، همچنان پشت سر هم نوشته و هیچ‌جا نقطه‌گذاری و علائم نگارشی به کار نبرده است؛ لذا برای مشخص شدن حوادث و ماجراها، پاراگراف‌بندی شده و از علائم نگارشی استفاده گردیده است.

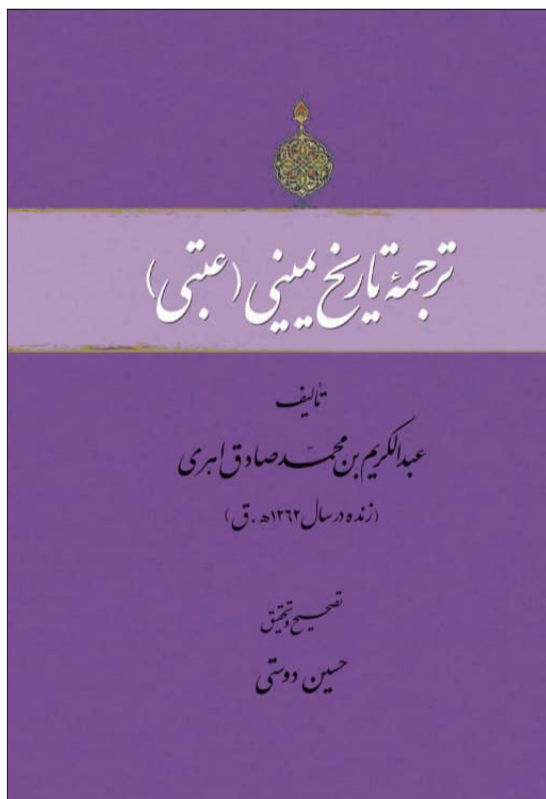
۲- در این ترجمه، برخی کلمات، به هم پیوسته نوشته شده بود که جدا از هم نوشته شد. مثل: خانها (خانه‌ها) مجادلهها (مجادله‌ها) نامها (نامه‌ها) آنقوما (آن قوم را) یکدو (یک دو) بطریق (به طریق) و ...

۳- در برخی لغات، حروف ک، گ یکسان نوشته شده‌اند که اصلاح گردید. مانند: کمان (گمان)، روزکار (روزگار)، کردن (گردن) و ...

۴- گاهی اغلاط نگارشی توسط کاتب انجام گرفته بود که اصلاح شد: برخواست (برخواست)، حمایت (حمایت)، شیحه (شیهه) و ...

۵- در اصلاح نام اشخاص و اماکن، ترجمه جرفادقانی و علی قویم مورد نظر بوده و در پاورقی توضیح داده شده است.

۶- در تصحیح دستنویس منحصر به فرد ترجمه تاریخ عتبی، برای برطرف کردن بعضی



مشکلات خطی و افتادگی در متن، از دو کتاب چاپی این اثر، به تصحیح زنده یادان دکتر جعفر شعار و علی قویم بهره جستیم که در پاورقی‌ها، نسخه کتابخانه مجلس با نشانه اختصاری «س» آورده شد و کتاب چاپی دکتر شعار با علامت اختصاری «ش» و کتاب مصحح علی قویم با رمز «ق» منظور گردید.

### عبدالکریم اهری کیست؟

عبدالکریم بن محمد صادق اهری از نویسندگان و علما و فقیهان برجسته عصر فتحعلی شاه قاجار بود که مورد توجه بزرگان حکومتی و دانشوران عهد خود قرار داشت، او در سال‌های جنگ‌های روس با ایران (۱۲۴۳-۱۲۱۸ ق) به سفارش میرزا عیسی قائم مقام فراهانی اقدام به تحریر چهار رساله جهادیه کرده، لشکریان ایران را به جهاد، ترغیب و مردم را به حمایت از سپاه ایران در این جنگ تشویق می‌کرد. دو رساله از این چهار رساله جهادیه که به وسیله نگارنده این

مقاله، تصحیح گردید، در زمستان ۱۳۹۸ با نام رساله‌های جهادیه اهری توسط انتشارات سفیر اردهال چاپ و منتشر شد (دو رساله دیگر یافت نشد!)

عبدالکریم اهری، علاوه بر رساله‌های جهادیه و ترجمه تاریخ یمینی، دو اثر دیگر هم دارد: تبیین و توضیح تاریخ بیهقی (که در مقدمه ترجمه تاریخ یمینی از آن نام می‌برد، لکن اثری از آن یافت نشده است) و دیگری کتابی است با نام آداب عباسی، در آیین کشورداری که آن را به سفارش قائم مقام فراهانی (وزیر برجسته دوره قاجاریه)، جهت آموزش اصول کشورداری به عباس میرزا (ولیعهد فتحعلی شاه قاجار) نگاشته است.

تنها نسخه خطی آداب عباسی، تا آنجا که مصحح در فهرست نسخه‌های خطی داخل و خارج از کشور تفحص کرده است، در ۹۹ صفحه به قطع جیبی (۱۴\*۲۰ سانتیمتر) در کتابخانه و موزه ملی ملک (در تهران) موجود است.

این نسخه دستنویس، خرداد ماه ۱۳۹۸ ش با کمک دوست دانشمند و پژوهشگر جناب آقای دکتر بهروز ایمانی، مدیر محترم مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی (در تهران) در اختیار من قرار گرفت که بعد از بازنویسی و تصحیح و تدوین فهرست‌های لازم، به وسیله نشر «تمثال» در سال ۱۳۹۸ ش به زیور طبع آراسته گشت.

آثار مکتوب به یادگار مانده از این دانشمند برجسته اهری، نشان می‌دهد که وی از چهره‌های فعال فقهی- فرهنگی عهد خود بوده و از مشاهیر و معاریف محسوب می‌شده است و از نزدیک با ولیعهد (عباس میرزا)<sup>۳</sup> و همچنین با حاکم آذربایجان (بهمن میرزا) ارتباط داشته است که ترجمه و تبیین و نگارش چندین کتاب به او محول شده است.

در هر حال اسامی و تعداد آثار شناسایی شده عبدالکریم ابن محمد صادق اهری بدین شرح می‌باشد:

#### ۱- رساله جهادیه تحفه‌المجاهدین

این رساله به احتمال قوی همان اولین رساله جهادیه عبدالکریم بن محمد صادق اهری است که در رساله ارشادالمجاهدین از آن بدین گونه نام برده است:

«- حقیر نیز با قلت بضاعت، اقتفاء لآثارهم<sup>۴</sup> رساله مختصری در مسایل جهاد، تألیف نموده به عرض

عاکفان دربار شوکت مدار والا رسانیده بود.»

این رساله در ۵۲ صفحه به قطع رقعی در آخر کتابی بنام سهام عباسیه تألیف میرزا عباس بن مسلم ایروانی درج شده است.

سهام عباسیه با ۹۶ برگ (دو صفحه در یک برگ) در سال ۱۲۶۳ ق توسط: بانویی بنام «تاج ماه بیگم» به کتابخانه آستان قدس رضوی وقف شده است که از صفحه ۷۲ تا آخر آن، رساله جهادیه تحفه‌المجاهدین قرار گرفته است. این کتاب به شماره عمومی ۲۴۵۵ در آن کتابخانه نگهداری می‌شود.

#### ۲- رساله جهادیه ارشادالمجاهدین

این رساله جهادیه، چهارمین رساله‌ای است که عبدالکریم بن محمد صادق اهری در ترغیب مجاهدان و پیوستن مردم به صفوف لشکریان در جنگ‌های ایران و روس نگاشته است. وی رساله‌اش را ارشادالمجاهدین نام نهاده و آن را در یک مقدمه، سه مطلب و خاتمه مرتب کرده است.

شاید ۳۰ سال قبل بود که نگارنده در میان پوشه‌ای از اوراق و اسناد دوره قاجاریه، به این رساله، دست پیدا کردم و با اجازه صاحب آن اوراق و اسناد، کپی آن را گرفته و در آرشیو کتابخانه خود نگهداری کردم و در طی این سال‌ها، مقالاتی هم در معرفی آن تهیه کرده در مطبوعات و همایش‌ها ارائه کردم.<sup>۵</sup> لکن هزاران تأسف که امروز نام آن عزیز (صاحب این اوراق) را فراموش کرده‌ام و نمی‌توانم از او با نام ارجمندش قدردانی کنم! اما به هر حال، امتیاز معرفی این رساله، متعلق به آن وجود ذی‌جور است.

همین دو رساله را در سال ۱۳۹۸ در یک کتاب با عنوان رساله‌های جهادیه اهری تصحیح و چاپ و منتشر کردم.

۳- دو رساله جهادیه دیگر (اسامی آنها مشخص نشده و هنوز اثری از آنها نیست!)

۴- آداب عباسی

۵- ترجمه و شرح تاریخ بیهقی

۶- ترجمه تاریخ یمینی

همان‌طور که گفته شد چهار اثر از این ۶ عنوان، توسط نگارنده این مقاله در قالب سه عنوان کتاب منتشر شده است.



## ترجمه اهری از دیدگاه ادبیات پژوهان

دکتر میلاد عظیمی، از اساتید دانشگاه تهران، در مورد این کتاب (در اینستاگرام) در دی ماه امسال نوشته است:

«ترجمه اهری ساده‌تر از ترجمه جرفادقانی است. نثرش هم بالنسبه شیواست. در مقام تشبیه، انگار تهذیب و بازنویسی مرحوم آیتی را از تاریخ و صاف می‌خوانیم. من از خریدن و خواندن آن دلشادم. دوستان تاریخ، از خواندنش لذت خواهند برد.»

و دکتر احمد جباری فرکوش، از اساتید دانشگاه اردبیل، در یادداشتی چنین نوشته است:

«خوشبختانه ترجمه‌ای روان و یکدست از تاریخ یمینی به ترجمه عبدالکریم بن محمد صادق اهری و به سعی و اهتمام استاد حسین دوستی به حلیه طبع آراسته شده است. چاپی خوب و تصحیحی دقیق و خوشخوان، علاقمندان تاریخ و ادب و ترجمه را به خواندن این اثر فرامی‌خواند. آنچه در خصوص این ترجمه می‌توان گفت، قلم شیوا، سبک روان و از همه مهم‌تر فراهم آمدن یک متن تاریخی. با بررسی این ترجمه و تطبیق آن با متن عربی به اهمیت این ترجمه پی خواهیم برد.»

وی در ادامه مطلب به بررسی و تطبیق متن عربی تاریخ یمینی با دو ترجمه فارسی پرداخته

می‌نویسد:

«استقلال مترجمان فارسی از یک سو، و تفاوت ترجمه ادبی و تاریخی دو مترجم از دیگر سو، ما را با ترجمه‌های متفاوت روبرو می‌سازد. نگاهی به ترجمه جرفادقانی و عبدالکریم بن محمد صادق اهری حاکی از این است که این دو مترجم در اغلب موارد به متن اصلی وفا دار نمانده‌اند. منتهی جرفادقانی ترجمه را به صورت یک متن ادبی درآورده است، در حالی که اهری متن سلیس و خوانای تاریخی در اختیار خواننده قرار می‌دهد و از همه مهم‌تر اینکه ابتکار اهری در ترجمه علاوه بر متن عربی، بیشتر متمایل به ترجمه جرفادقانی بوده است.»

دشواری ترجمه جرفادقانی تحت تأثیر متن عربی با آوردن واژگانی چون اوصاب، ابلال، تصامم، ندور؛ صرف نظر از ویژگی‌های سبکی، نشان از نفوذ عربی در ذهن و زبان جرفادقانی دارد. در

حالی که ما به راحتی با ترجمه اهری متن دشوار جرفادقانی را خواهیم فهمید. در واقع ترجمه اهری می‌تواند به عنوان شرحی ساده و در خور توجه مورد مراجعه دانشجویان و اساتید ادب فارسی قرار گیرد.

گاه هنر ترجمه اهری در برگردان قصیده‌های طولانی در بیتی نمایان می‌شود (رک، اهری، ۱۳۹۹: ۱۰۳)؛ به عبارت دیگر اهری هر چه شعر عربی در متن عربی و ترجمه جرفادقانی بوده به طور کل حذف کرده است و این باعث شده است تا ما در خواندن این ترجمه، نه با متن ادبی صرف، بلکه با متن کاملاً تاریخی روبرو شویم.»



امیدوارم میراث مکتوب منطقه ارسباران (به مرکزیت شهرستان اهر در استان آذربایجان شرقی) نظر اهل فن را جلب کرده و به عنوان یک کانون تمدن و فرهنگ و علم و اندیشه، مورد توجه مردم خود و ایرانیان فرهیخته قرار گیرد.

## پی‌نوشت

۱. بهمن میرزا (۱۳۰۱-۱۲۲۵ ق) مردی دانشمند و دانش‌پرور و ادیب و نویسنده بود. به دستور او ملا عبداللطیف طسوجی کتاب هزار و یک شب را به فارسی برگرداند. او همچنین کتابخانه‌ای ارزنده داشت و کتابی بنام تندرته محمد شاهی تألیف کرده است. سجع مهر او چنین بود: یگانه گوهر دریای خسروی بهمن. او از سال ۱۲۵۷ ق تا ۱۲۶۲ ق حکمران آذربایجان بود.
۲. همچنان‌که اهری در اول کتابش آورده این کتاب، «ترجمه تاریخ یمینی» است نه «تاریخ ابن یمین». یقیناً این اشتباه در نگارش از سوی کاتب انجام شده و «تاریخ یمینی» صحیح است.
۳. در جنگ‌های ایران و روس، شهر اهر مرکز فرماندهی عباس میرزا بوده است و فتحعلی‌شاه و میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و دولتمردان و سفرا و رجال معروف، دائماً در اهر تشکیل جلسه داده و امور جنگ را بررسی می‌کرده‌اند.
۴. در پیروی از آثار آنها، یعنی در ادامه جهادیه نویسی علماء.
۵. همایش بین‌المللی ایران فرهنگی/ تهران (موسسه مطالعات ملی) سال ۱۳۸۷؛ همایش ملی بازتاب و پیامدهای جنگ‌های روس و ایران، جلفا (منطقه آزاد ارس)، آذر ۱۳۹۶؛ روزنامه بین‌المللی مهد آزادی، تبریز، مورخه ۸۷/۶/۴ به مدت چهار روز؛ فصلنامه ایران شمالی، مهر ۱۳۸۷؛ هفته نامه امانت، ارومیه، ۲۵ و ۹۱/۱/۲۱.

## منابع

- ۱- جرفادقانی، ابوالشرف، (۱۳۸۲)، ترجمه تاریخ یمنی، تصحیح جعفر شعار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی (چاپ چهارم).
- ۲- جرفادقانی، ناصح بن ظفر (۱۳۴۵)، ترجمه تاریخ یمنی، به اهتمام دکتر جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- اهری، عبدالکریم بن محمد صادق، (۱۳۹۹)، ترجمه تاریخ یمنی، تصحیح حسین دوستی، تهران، تمثال.
- ۴- بهار، ملک الشعرا (۱۳۶۹)، سبک‌شناسی، تهران، انتشارات امیرکبیر (چاپ پنجم).



تصویر روی جلد ترجمه تاریخ یمنی  
به قلم عبدالکریم اهری



پهلستان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على الاثر والصلوة على نبيه وآله برامته وذهابهاى صافى دستمجم صور انجمن  
 ظاهر و متجلى است كه سلطنت و دين كوهان بك در چند اختران كبريچ او  
 بك نكتم زاده و دو كيسند در يك خانم نهاده دين بمنزه نيست و سلطنت  
 آن پس ملك بى سلطان طواع و بى است و بناى بى بيان منهدم و خراب  
 لمؤلفه و دو كوه زند بك چه پادشاهى و دين كه نظم امر و دوايم براى هر دو بهاست  
 اگر نباشد دين كار آفرست بچرخ "اگر نباشد شاهى مورد هر بهاست" و چه  
 سلطان نظام عالم پریشان دعوا و خواص برابر و بگمان بشود لهدا با بدو  
 عصرى از اعصار سلطانى كه آراسته بزور دين باشد براى نظام امور جهتم  
 در بايست روزگار اقدام نمابد تا خلاص در نقل سمايش بغراغت زندگاني نمابد و در دين عهد بجه  
 قدرت ايزدى باج كومت بر سر خاقانى نهاد كه داغ بندكى چنين جهانبا  
 كره و بيلدى بخت فزود ز خط ابراز بر بزرگين آرد و از آن مدت كه سر بر سلطنت

۱۳۰۱

آغاز نسخه ترجمه تاريخ يمينى

به قلم عبدالكريم اهرى



ماند و اسناد عتیق بر ساله در مرثیه آنش نموده است که در اصل کتاب مکتوب است  
در دوازدهم شهر صفر الحظرف سال یکصد و دویست و نهم از شغل کتابت  
ترجمه تاریخ بهی که حسب الحکم مامور بود و فراغت حاصل شد حرره عبدالمصعب  
ابراهیم اهری ۱۲۶۲

بنام تاریخ سال هزار و دویست و شصت و نهم که صفر ممالک آذربایجان  
بانوار ماثر و مسافر شاهراهه را در جوان بخت کرم بخشید بنام  
خداوند که بنام شیخ سرکار شرف والا نواب بهمن میرزا امین  
فرزند نایب السلطنه العلی عباس میرزا ابن السلطان  
فتحعلی شاه قاجار طالب تشریحها اراسته و پراسته  
بود سرکار رشوگتار بنده دعاگوی عبدالکریم  
اهری را مامور فرمودند که تاریخ این  
بکام را ترجمه نماید و بنده در کافه شب  
الامر الا شرف در اندک کتبه مدتی  
از خدمت همواره فراغت حاصل  
شود امید که تعیین  
عناصت مکتوب  
شود

پایان نسخه ترجمه تاریخ یمینی  
به قلم عبدالکریم اهری